

رابطه جمعیت و امنیت

Hosein Sarrami, ph.D
University of Esfahan

The Relationship between Population and Security

In the past, there was a crucial relationship between population and security. population growth provided security for people, family and the whole country. But today, the development of technology, management strategies, production, specialization, etc. have taken over and the quantity has been replaced by the quality. So only the educated, creator, well trained, skillful and dutiful population can enjoy the advantages of security.

خلاصه

رابطه جمعیت و امنیت در حالت سنتی قطعی و خطی بود و فزونی جمعیت، امنیت فرد و جامعه و خانواده و کشور را تأمین می‌کرد. ولی امروزه با مطرح شدن تکنولوژی، مدیریت، بهره‌وری و تخصص، ... کمیت‌ها جای خود را به کیفیت داده است. بهترین‌ها مهم است نه بیشترین‌ها. بنابراین تنها جمعیتی عامل امنیت است که با سواد، خلاق، با فرهنگ، متخصص و وظیفه شناس باشد.

مقدمه

امنیت پایدار در هر کشور در گرو قدرتمندی آن است و مخصوصاً به نیروی انسانی آگاه و کارساز آن مربوط است که بامدیریت صحیح، از محیط و جمعیت، بهره‌مندی و بهره‌وری

درست و گسترده به عمل آورد.

امروزه نیرومندی واقعی که بتواند امنیت ساز و تأمین کننده باشد فقط هنگامی محقق است که علاوه بر متناسب بودن تعداد جمعیت با وسعت کشور، آن جمعیت دارای اندیشه بوده، از مهارت، آموزش و تعالی فکری برخوردار باشد یعنی افزون بر کمیت لازم کیفیت مطلوب نیز داشته باشد.

خصوصیات اجتماعی و آمار و اطلاعات جمعیتی، گذشته از اعتبار و آگاهی و تأثیر در کنترل جمعیت، سنگ زیر بنای تمام بررسی‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و ابزار اصلی محققان و کارگزاران می‌باشد. در مورد تناسب جمعیت با وسعت کشور قاعده کاملاً مشخصی وجود ندارد....

یکی از متخصصان جغرافیای جمعیت اعتقاد دارد: «جمعیت متناسب جمعیتی است، که در موقع بروز خطر و هجوم بیگانگان بتواند از سرزمین خود دفاع کند یعنی جمعیت آن قدر کم نباشد که توان حفظ قلمرو خود را نداشته باشد و یا آن قدر زیاد نباشد که دولت نتواند از عهدهٔ نیازمندیهای آنان برآید و در نتیجه در موقع بروز کمبودها نارضایتی‌هایی را به وجود آورند» (۱) به طور کلی تراکم نسبی و زیستی جمعیت و فشردگی انسانها در واحد سطح باید متعادل و بهره‌مند از امکانات و همسو با اهداف سیاسی، اقتصادی و ... کشور باشد و بستر فضایی قدرت و محیط زیست را آسیب نرساند. برای مثال موقعیت و وسعت کشور بنگلادش نمی‌تواند جمعیت بیش از ۱۲۰ میلیون را به خوبی پذیرا باشد، بر عکس کشورهای ای، ایتالیا، اردن و ... جهت توسعهٔ کشور و تأمین امنیت خود نیاز به جمعیت بیشتری دارند. چنانکه فلسطین و اسرائیل نیز هر دو بر کمیّت جمعیت خود به عنوان یک عامل مهم قدرت و امنیت تأکید می‌کنند. یا از زاویه‌ای دیگر چین با جمعیت بیش از یک میلیارد نفر، از ایالات متحد آمریکا، با جمعیتی حدود $\frac{1}{4}$ آن، ضعیف‌تر و دارای امنیت و رفاه کمتر است.

یکی از نظریه پردازان سیاسی - نظامی کشور می‌نویسد: «میزان جمعیت یک کشور یک عامل مهم و قابل ملاحظه است زیرا توانائی ایجاد یک نیروی قوی و تأمین افراد مورد نیاز به میزان جمعیت یک کشور بستگی دارد» (۲)

وسعت هندسی سرزمین نیز نمی‌تواند خود به خود تعیین کننده و امتیاز تلقی شود چنان‌که $\frac{2}{3}$ خاک عربستان و $\frac{1}{3}$ وسعت ایران و قسمتهای زیادی از کشورهای ای، الجزایر، کلمبیا، استرالیا و ... کویر و فاقد آب و آبادانی است و نه فقط منطقه‌زیستی فعال بلکه عادی هم به

حساب نمی‌آید. این امر خود مانعی برای توسعه فراگیر آن کشورها به شمار می‌رود. بنابراین ثبات دایمی و امنیت واقعی هر کشور عموماً مشروط به وجود تعادل و توازن بین عوامل انسانی و طبیعی است که تأمینات اقتصادی و سیاسی را به دنبال دارد. البته در طول تاریخ ابعاد کمی انسانی و جمعیت زیاد برای دفاع و آبادانی کشور اهمیت فراوان‌تری داشته و نوعی امتیاز و پایه قدرت و امنیت محسوب می‌شده است. تا چند دهه پیش نیز بین جمعیت و قدرت دولت و کشور (و حتی خانواده) یک رابطه خطی و قطعی تصور می‌گردید. (۳)

دکتر زنجانی می‌نویسد: «بعد از پیروزی انقلاب اسلامی جمعیت به عنوان مهمترین سرمایه کشور تلقی شد و با توجه به زیربنای عقیدتی، میزان افزایش سالانه آن نیز بالا رفت». (۴) در همان حال که می‌توان یکی از علل شکست کویت و اشغال کامل آن توسط عراق را کمی جمعیت آن دانست، بر عکس در مورد جنگ ایران و عراق یکی از دلایل موفقیت‌های ما، جمعیت نسبتاً زیاد کشور و آمادگی دفاع همگانی بود.

همچنین در ابعاد دیگر مانند همبستگی ملی و حراست و حفاظت نیز، انبوهی جمعیت و فراوانی آن، به ثبات و پایداری و از پس دشمن برآمدن، یا انصراف آن از اشغال و بی‌نظمی و عدم امکان ایجاد رعب و ناامنی بسیار مؤثر است. چنان‌که مثلاً بندرعباس یا اهواز با موقعیت مهم استراتژیکی و مرزی از جمله به خاطر رشد سریع جمعیت نمی‌تواند از ناحیه دشمن، چه داخلی یا خارجی، هدف راحتی برای اشغال و ناامنی تلقی شود. به سابقه جمعیتی این دو شهر و شکنندگی آن در گذشته ناشی از کمی جمعیت توجه کنیم: «اهواز در حوالی سال ۱۲۸۵ شمسی یعنی حدود ۸۰ سال پیش روستایی با ۷۰۰ نفر جمعیت بوده است. این شهر در حال حاضر به یک شهر ۶۰۰۰۰۰ نفری تبدیل شده است. جمعیت بندرعباس در سال ۱۳۳۵ حدود ۱۷۰۰۰ نفر بود در حالی که امروز به عنوان یکی از قطب‌های مهم ارتباطی کشور جمعیتی نزدیک به ۲۵۰۰۰۰ نفر دارد». (۵)

ضمناً جهت ایجاد و حفظ امنیت ضرورت دارد علاوه بر توجه به این نکته اساسی که «یکی از عناصر وجودی هر دولت مردم‌اند» (۶)، ارتباط و توازن معقولی نیز بین شمار این مردم یعنی جمعیت کشور و تعداد نیروهای نظامی و انتظامی برقرار باشد و سپاه و ارتش و کلاً نیروهای نظامی و نیز انتظامی به تناسب محدوده فعالیت و فضای کاری و اهداف ملی و بین‌المللی از نظر نفرات کافی و مجهز به دانش روز و بینش وسیع همراه با ابزار لازم باشند. مخصوصاً با عنایت به این مسأله که عموماً مرزها آسیب پذیر هستند بیشترین تأثیر را در امنیت یا ناامنی سیاسی

اقتصادی (اعم از نفوذ و هجوم دشمن و یا قاچاق کالا و رفت و آمدهای غیر عادی و غیرقانونی...) دارند. به نظر خبرگان نظامی و سیاسی بایستی تعداد نیروهای مسلح و دفاعی کشور با طول مرزها متناسب باشد (۷) و هر چه مرزها طولانی‌تر و بحرانی‌تر باشد، نیروهای حفاظتی آماده‌تر و ذخیره بیشتری مورد نیاز است.

نویسندگان کتاب جغرافیای اقتصادی و سیاسی ایران می‌نویسند: «تعداد نیروهای نظامی با طول مرزهای مملکت رابطه دارد هر چقدر طول مرزهای مملکت زیادتر باشد باید نیروهای نظامی بیشتری در دفاع از مملکت بسیج شوند.» (۸)

دکتر عزتی در همین زمینه توضیح می‌دهد: «هرگاه افراد بین سنین ۲۰ تا ۶۵ سال بیش از ۳۵٪ کل جمعیت یک کشور را تشکیل دهند چنین سرزمینی از بهترین و مطلوبترین عوامل ژئوپولیتیکی به منظور حفظ امنیت، ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی برخوردار است.» (۹)

ولی واقعیت اینست که بشر امروز هر چه پیش می‌رود بیشتر به مغز و اندیشه و تکنیک تکیه دارد تا زور بازو و سیاهی لشکر؛ و با درایت و مدیریت به جای بیشترین‌ها در تدارک بهترین‌ها است تا حدی که در بسیاری موارد کمیته‌های محض نه فقط بی‌ارزش بلکه ضد ارزش و اکثراً زمینه‌ساز اغتشاش و نیاز محسوب می‌گردد؛ لذا گروهی به شمار اندک ولی پرمایه، بیدار، مؤمن، باسواد، دارای تخصص، امیدوار و سلحشور، با خلاقیت و درایت و دارای سلامت جسمی و روحی و وجدان کار، بر انبوهی بی‌سواد و ناسالم و گرسنه و نیم گرسنه و مایوس و بیکار (یا مشغول به کارهای کاذب و انگلی) (۱۰) به مراتب برتری دارند.

به قول فردوسی: «چه یک مرد جنگی چه یک دشت مرد»

قرآن کریم می‌فرماید: «کم من فئة قليلة غلبت فئة كثيرة باذن الله والله مع الصابرين» (۱۱)

ترجمه: چه فراوانند گروههای کم شمار (ولی با کیفیت) که برتری دارند بر گروههای انبوه (و فاقد کیفیت) به کمک خدا، و همیشه خداوند با صبر پیشگان است که با دقت و بردباری برای آینده برنامه‌ریزی می‌کنند.

به‌طور کلی همچنان‌که یکی از نظریه‌پردازان سیاسی کشور نیز می‌نویسد: «ارزیابی جمعیت به عنوان یک عامل قطعی قدرت، کار درستی نیست» (۱۲) جمعیت شناسان نیز معتقدند: «جمعیت وقتی منبع تولید به حساب می‌آید که با سواد و سالم باشد و آن‌هم در شرایط پرجمعیتی (over population) مقدور نیست» (۱۳)

دکتر عزتی در تثبیت امنیت کشور، کیفیت جمعیت و مهارتهای عینی و ذهنی انسانها را

ضروری می‌داند و معتقد است: «هرگاه در تجزیه و تحلیل مسائل ژئوپولیتیک از انسان صحبت به میان می‌آید، انسان ماهر دارای هدف و کیفیت خوب مورد نظر است زیرا چنان‌که انسانهای ساکن یک کشور از قدرت تجزیه و تحلیل خوبی برخوردار نباشند نمی‌توانند این موقعیت را درک کنند و این عدم درک موقعیت امکان توسعه به معنی دقیق کلمه را برای ساکنان آن سرزمین تقریباً غیر ممکن می‌سازد در نتیجه توسعه با هر بعدی دارای جنبه‌های تخریبی وسیعی خواهد شد به همین علت چنین کشورهایی همیشه با بی‌ثباتی دست به‌گریبانند. چه بسا امروز مجموعه کشورهای جنوب غربی آسیا و بخشهای عظیمی از دنیا دچار چنین فاجعه‌ای هستند و به همین علت معتقدند با ثبات‌ترین کشورهای دنیا کشوری است که درصد انسانهای ماهر آن نسبت به دیگر کشورها در سطح بالاتر می‌باشد» (۱۴)

بی سوادی حدود ۳۰٪ از جمعیت ۶ ساله به بالا، مهاجرتهای بی‌رویه و مستمر جوانان روستایی به شهرها، مشکلات شغلی و سکونت و آموزشی و ... جوانی جمعیت با حدود ۵۰ درصد کل جمعیت زیر ۲۰ سال (۱۵) که مصرف‌کننده هستند و بار تکفل جمعیت فعال محدود را تشدید می‌کنند و مخصوصاً گرایش شغلی بومیان ساکن شهر و مهاجران روستایی تا بیش از ۵۰٪ به مشاغل کاذب (۱۶) و حاشیه‌ای و رشد جمعیت بالا (مخصوصاً در دهه‌های گذشته) و حرکت‌های شدید زایشی و رانشی ... همگی سلامت و امنیت جامعه را آسیب‌پذیر ساخته با ایجاد زمینه‌های نارضایتی عمومی دشمنان را ترغیب به آشوب و تحریکات نظامی و برتر از آن تهاجم و یورشهای فرهنگی نموده و جامعه را ناامن می‌سازد.

در ارتباط با جمعیت و امنیت می‌توان نظر دکتر حسینی استاد دانشگاه اصفهان را نیز یادآوری نمود که معتقد است: «در صورتی که روند مهاجرت نیروهای فعال و خلاق از روستاها همچنان ادامه یابد و روستاها از جمعیت مؤثر خالی شود عرصه‌های روستایی به صورت کمینگاه اشرار و گروه‌های ضد امنیت ملی درآمد، شهرها تهدید می‌شود...» (۱۷)

نتیجه‌گیری

کشور ایران در منطقه کلیدی دنیا قرار دارد که علاوه بر ویژگیهای ارتباطی، بین تمدنی، علمی، فرهنگی و مذهبی، ادامه حرکت چرخهای عظیم صنعت جهانی را (۱۸) نیز به عهده دارد. از نظر سیاسی نیز در جهت احقاق حقوق مردم مستضعف فلسطین تلاش می‌کند و با صهیونیسم و امپریالیسم بین‌الملل در ستیز است.

اجرای آن تعهد و این سیاست و تثبیت امنیت داخلی و آرامش، ایران را وادار می‌کند در جهت ایجاد یک ارتش نوین اقدام و «رابطه صحیح و منطقی بین جمعیت و تعداد نیروهای باز دارنده و نظامی» (۱۹) خود برقرار نماید. توجه‌اساسی به کیفیت جمعیت تا کمیت آن، بهینه‌ها تا بیشینه‌ها و تلاش در جهت گسترش آزادیهای مدنی، رشد فکری، فرهنگی، تعهد، تخصص و مهارت بیشتر انسانهاست که بایداساس کار قرار گیرد تا زمینه‌های بیشتر قدرت، امنیت و ایفای رسالت‌های ملی و بین‌المللی را همگام با توسعه پایدار و فراگیر داخلی (۲۰) فراهم آورد.

پی‌نوشت‌ها و منابع

- ۱) نظری، علی اصغر: «جمعیت متناسب مهمترین و بزرگترین قدرت»، مقالات سمینار جغرافیای کاربردی و جنگ، تهران، انتشارات دانشگاه امام حسین، ۱۳۶۵، ص ۲۴۵.
- ۲) عزتی، عزت الله: ژئوپولیتیک، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۱، ص ۵۵.
- ۳) این رابطه امروزه از یک رابطه خطی به یک تابع با پارامترهای متعدد تبدیل شده است.
- ۴) زنجانی، حبیب اله: مجموعه مباحث و روشهای شهرسازی «جمعیت»، چاپ دوم، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۰، ص ۱۳۱.
- ۵) همان، ص ۱۱۳.
- ۶) میرحیدر (مهاجرانی)، دره: مبانی جغرافیایی سیاسی، انتشارات سمت تهران، ۱۳۷۱، ص ۱۰۵.
- ۷) بنابراین می‌توان گفت: تعداد نیروهای حفاظتی تابعی است از متغیر طول مرزها و نسبت بحرانی بودن آن؛ هرچندعامل تخصص، تکنولوژی و ایمان کاری نیروها بسیار تعیین کننده است.
- ۸) عزتی، عزت الله - مشیری، رحیم: «جغرافیای اقتصادی و سیاسی ایران» تهران، انتشارات نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۱، ص ۱۲۸.
- ۹) ژئوپولیتیک، همان، ص ۸۹.
- ۱۰) صرامی، حسین: مشاغل غیر رسمی، انتشارات جهاد دانشگاهی اصفهان، ۱۳۷۲، فصلهای دوم و سوم.
- ۱۱) سورة بقره، آیه ۲۴۹.
- ۱۲) میرحیدر (مهاجرانی) همان، ص ۱۰۶.
- ۱۳) شیخی، محمد تقی: جمعیت شناسی، تهران، انتشارات اشرافی، ۱۳۷۱، ص ۱۹۹.
- ۱۴) عزتی، همان، ص ۸۹.
- ۱۵) میانه سنی جمعیت ایران (براساس سرشماری عمومی سال ۱۳۷۵) ۱۹/۲ است و نشانگر جمعیت به شدت جوان کشور است. مقایسه کنیم با جمعیت آلمان براساس سرشماری سال ۱۹۹۲ که میانه سنی آن ۴۱ بوده - (نقل از دکتر م‌خردمند در کلاس آمار دوره دکتری گروه جغرافیا دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۷/۷۸).
- ۱۶) صرامی، همان، فصل دوم و چهارم کتاب
- ۱۷) حسینی ابری، دکتر حسن، دانشگاه اصفهان گروه جغرافیا مباحث کلاس دوره دکتری درس توسعه روستایی، سال تحصیلی ۱۳۷۶-۷۷.
- ۱۸) مخصوصاً از نظر تأمین و امکانات عبور انرژی ارزان نفت و گاز و ...
- ۱۹) عزتی ... مشیری، همان، ص ۱۲۷.
- ۲۰) از طریق تلاش در: افت کمی جمعیت و رشد کیفی آن، فراهم آوردن زمینه های کامل اشتغال، برنامه‌ریزی‌های ملی و مخصوصاً منطقه‌ای (جهت آبادانی متوازن و تعدیل مهاجرت‌های روستایی و کنترل شهری شدن‌های بی‌رویه)، شناخت و بهره گیری بیشتر از توانهای انسانی و محیطی و بهره‌وری صحیح، ایجاد فرهنگ کار و تلاش و امیدواری، اصلاح مدیریت‌ها